

## تبار تمدن در جهان اسلام

امروزه، در ایران، واژه‌ی «تمدن» پربسامد بکار می‌رود؛ ولی جای شگفتیست که کسی تا کنون تبار این واژه را در «جهان اسلام» نکاویده است.



امروزه، در ایران، واژه‌ی «تمدن» پربسامد بکار می‌رود؛ ولی جای شگفتیست که کسی تا کنون تبار این واژه را در «جهان اسلام» نکاویده است.

به گزارش خیرگزاری مهر، آن چه پیش روست، یادداشتیست بسیار کوتاه در مقام طرح مسئله، به قلم سجاد هجری، پژوهشگر پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت، درباره‌ی واژه تمدن در جهان اسلام است که در آن به برخی کاربردهای این واژه در متن‌های دوران اسلامی اشاره شده است.

امروزه، در ایران، واژه‌ی «تمدن» پربسامد بکار می‌رود؛ ولی جای شگفتیست که کسی تا کنون تبار این واژه را در «جهان اسلام» نکاویده؛ تا آن جا که برخی کارشناسان، به نادرست، پنداشتند که این واژه ساخته ترجمان‌های عثمانی در سده ۱۹ ام. م. در جای برابر نهاد civilisation فرانسویست؛ زیرا آن را تا سده‌ی ۱۳ ام. ه. ق. نمی‌توان در فرهنگ‌های نام‌ور و در دسترس فارسی و تازی یافت؛ با آن که واژه‌ی «تمدین» در واژه‌نامه‌ها آمده و انتظار می‌رفت که از مطاوعه آن، تمدن، نیز یادی شود.

تمدن حتی در فرهنگ‌های متأخر مانند نفیسی، نظام و دهخدا نیز بی‌هرگونه گواه (شاهدمثال) از نظم و نثر معنا شده. آشکارا، این واژه بارها در متن‌های گوناگون مانده از سده‌ی ۴ ام. ه. ق. در جای زبان زدی علمی-تخصصی در آثار کسانی چون «شهرزوری»، «ابن میمون»، «فیض کاشانی» و «بکار رفته است. بیش از هر جایی، این واژه را می‌توان ۱ در کتاب‌های اخلاقی (حکمت عملی) و ۲ در آثار کلامی-فلسفی (الاهیاتی) جهان اسلام در کنار آمیزه‌ی «مدنی بالطبع» ی انسان و در جستار «طریق الحکماء / الفلاسفه» در اثبات ضرورت «نبوت» یافت.

«مسکویه رازی» از نخستین کسانیست که این واژه را در آثارش، «تهذیب الأخلاق» و «الفوز الأصغر»، بکار برده و شاید «نصیرالدین طوسی» بیش از دیگران، این واژه را در تألیفاتش، «اخلاق ناصری»، «اساس الاقتباس»، «شرح اشارات»، «نقدالمحصل» و «فانی کشمیری» بکار برده است و در آثار کلامی کسانی چون «جرجانی» و «فیاض لاهیجی» و کتب اخلاقی کسانی مانند «دشتکی» و «فانی کشمیری» بکار برده است.

از آن جا که این واژه اصطلاحی فنیست، انتظار می‌رفت که در تعریفات / حدودنگاری‌ها و اصطلاحات‌نامه‌های علمی جهان اسلام آورده می‌شد؛ اما تا سده‌ی ۱۲ ام. ه. ق. که درآیند تمدن در «دستورالعلماء» دانشمند هندی، «احمدنکری»، آمده، هیچ واژه‌نامه‌آشنای تخصصی از آن بعنوان اصطلاحی فنی یاد نکرده و تنها «طاش کبری زاده»، دانشمند ترک، آن را در «مفتاح» ش بکار برده است. مسکویه رازی تمدن را در برابر «توحش» و «فخررازی» آن را مقابل «بدویت / بداهه» بکار برده است و «ابن رشد» از آمیزه‌ی «صناعه‌التمدن» و «ملاصدرا» نیز از ترکیب «علم‌التمدن» بهره می‌برند و همه باور دارند که تمدن را از «مدینه» برگرفته‌اند و کسانی چون «دوانی» و «ابن خاتون عاملی» در تعریف آن می‌کوشند. اصطلاح تمدن در کتاب‌های حدیثی اخباریانی مانند «مجلسی» و «قزوینی» در سده‌ی ۱۱ ام. ه. ق. راه یافته و چونان مصطلحی در آثار فقهی کسانی مانند «شهید اول»، «صیمری» و «وحید بهبهانی»، در بحث «نماز جمعه» دیده می‌شود.

فرهنگ‌نگارانی مانند «شرتونی» آن را «موالد» دانستند و آشکارا، تازیانی چون «علامه‌ی حلی» و «فاضل مقداد» در قرون میانه، یا از واژه‌ی تمدن بهره‌نبرده‌اند و یا بسیار بسیار کم‌تر از دیگر هم‌عصران‌شان در کتاب‌های شان آن را آورده‌اند؛ زیرا واژه‌های مولد را بیش‌تر «تاجیکان» (ناتازیان) ساختند و بکار گرفتند. «ابن خلدون» نیز در «المقدمه» از واژه‌ی تمدن در کنار «حضاره» و «عمران»، بهره‌برده و حتا اسم فاعل و صورت فعلی ماضی و مضارعش را نیز آورده است.

شاید بتوان نخستین کاربردهای واژه تمدن را در ترجمه‌های از یونان و در نسبت  $\pi; \lambda; \sigma$  (polis) یافت و شاید حتی ریشه آن را بتوان در ایران ساسانی و آمیزه و انگاره‌ی «ایران شهر» جست. این واژه در دوران قاجار و مواجهه جهان اسلام و بویژه ایرانیان با غربیان، فراوان بکار رفته است.